

نظام اجرائی نفاذ علوم اجتماعی



تدوین: سمیہ افشار

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست

مقدمه.....	۴
فصل اول تعیین عرصه.....	۵
فصل دوم سطوح روابط و تعاملات در عرصه.....	۷
فصل سوم ویژگی نیروها.....	۹
نیروی متخصص در عرصه‌های اجتماعی.....	۱۰
نیروی متخصص در کارگروه‌های اجتماعی.....	۱۲
سطوح روابط تعاملی نیروها.....	۱۴
خاتمه.....	۱۸



مقدمه

خداوند متعال انسان را اشرف مخلوقات و خلیفه الله نامید و به او اراده و اختیار عطا کرد تا مسیر خود را در زندگی انتخاب کند. و آدم علیه السلام ابوالبشر، را دریافت‌کننده وحی و احکام الهی از جانب خود قرار داد تا از همان ابتدا مسیر حق از باطل توسط امر خداوند مشخص شده و اوامر و نواهی خداوند متناسب شرایط زندگی در عالم ماده جاری شود.

و بعد از او رسولانی پی در پی فرستاد تا هادی انسان باشند، و به هنگام خطا و انتخاب نادرست او را انذار داده و از راه ناصواب باز دارند.

قرآن، آخرین کتاب هدایت بشر توسط خاتم انبیاء بر انسان عرضه شد و امامان معصوم، چونان ستارگان آسمان، روشن‌کننده راه زندگی بشریت قرآن را قرائت کردند تا نحوه عمل به آیات الهی را بیاموزیم. حال، بعد از تلاش سال‌ها مجاهدت انبیاء و رسولان الهی و امامان معصوم، نوبت ماست تا قرآن را در زندگی خود جاری کرده و آن‌چنان قرائت کنیم که قابل بالا رفتن از نردبان رشد و هدایت بوده؛ و به نحوی بر آیات آن جامه عمل بپوشانیم که تک‌تک سوره‌ها، آیات و کلماتش در بستر زندگی جاری شود.

متن پیش‌رو نظام اجرایی نقشه علوم اجتماعی است که بر مبنای یک دستگاه فکری برگرفته از قرآن کریم طراحی شده و تمام گام‌های آن بر اساس سور مبارکه تنظیم شده است. از آنجا که در متن سند «سیاست‌ها و راهبردهای فعالیت‌های قرآن محور» و «نظام‌نامه خانواده» شرح مبسوطی از روابط و ویژگی‌های نیروها و نحوه بهره‌مندی از امکانات و مسائل مالی و نشر بیان شده است، در این متن نیازی به تکرار ندیده و علاقمندان را به سندهای بالادستی و ذکر شده ارجاع می‌دهیم. بنابراین در این نوشتار به بیان کلیاتی بسنده می‌کنیم که در گذر زمان تغییر نکرده و رخدادهای ایام آن را از کارکرد نمی‌اندازد.

امید است متدبّرین و مجریان این نظام‌نامه به حول و قوه الهی و با توکل به خداوند متعال و توسل به اهل بیت علیهم السلام در جاری کردن این دستگاه فکری تمام سعی خود را بنمایند.



فصل اول

تعیین عرصه

هر موجودی متناسب با ظرفیت خود همواره در حال دریافت امر الهی است.

انسان نیز با توجه به اینکه انتخاب و اختیار، در ظرفیت او قرار داده شده است از این امر مستثنی نمی‌باشد. در واقع مرتبه‌ای از تجلی امر الهی، برای انسان این امکان را ایجاد کرده که با انتخاب آگاهانه خود، دریافتی از مراتب حیات داشته باشد.

با توجه به این حقیقت، چنانچه انسان باید نبایدهای زندگی خود را از جانب ربّ عالم دریافت کند، با رخدادهایی مواجه می‌شود که توان‌هایش را شکوفا کرده و به سعادت او منجر خواهد شد. و در مقابل چنانچه باید نبایدهای زندگی خود را از مصدری غیر الله دریافت دارد، با رخدادهای ناگواری مواجه می‌شود که منجر به هلاکت او می‌گردد.

بنابراین چنانچه انسان خواستار فلاح و سعادت خود باشد، برای انجام هر عملی و حضور در هر فعالیتی، به دنبال امر الهی بوده و به طور جدی از طاغوت و جلوه‌های آن اجتناب خواهد کرد.

لذا شناخت اوامر و نواهی خداوند در بسترهای زندگی از اوجب واجبات بوده و لازم است با تدبیر در قرآن باید و نبایدهای الهی را در رخدادهای زندگی کشف کنیم.

هرگاه انسان موفق شود موضوعی را متناسب با باید و نباید الهی بررسی کرده و احکام الهی را در بستری حاکم سازد، عرصه‌ای را ایجاد کرده و حیات الهی در آن بستر احیا می‌شود.



لذا برای تعیین عرصه، ابتدا باید بسترهای مختلف زندگی را شناخت و سپس نسبت به حاکمیت اوامر و نواهی خداوند در آن اقدام نمود.

قرآن به عنوان کامل‌ترین کتاب آسمانی، بهترین منبع برای معرفی بسترهایی است که انسان در طول زندگی خود و متناسب نیازهای حقیقی‌اش با آن مواجه شده و یا در آن به ایفای نقش خواهد پرداخت.

بنابراین به نظر می‌رسد بهترین مسیر برای شناخت عرصه‌های زندگی، مطالعه بسترهایی است که قرآن از آن یاد کرده و تعاملات و ارتباطات اجتماعی در سطوح مختلف در آن شکل می‌گیرد.

از آن‌جا که امکان بررسی و انتخاب تمام عرصه‌های حقیقی در زندگی میسر نیست، برای انتخاب عرصه تخصصی بهتر است موارد زیر را مد نظر قرار داد:

- ✓ **مسئولیت اجتماعی:** چنانچه فردی دارای شأن و جایگاه اجتماعی خاصی باشد و مسئولیتی را بر عهده گرفته باشد لازم است آن عرصه را شناخته و متناسب آن احکام الهی را جاری سازد.
- ✓ **توان و ظرفیت فرد:** هر فردی باید توان و ظرفیت خود را در انتخاب عرصه در نظر بگیرد.
- ✓ **استعداد فردی:** فضل‌ها و استعدادها، کمک‌کننده در اجرای بهتر احکام الهی در هر بستری هستند. چنانچه فردی در عرصه‌ای توانمند باشد بهتر می‌تواند احکام خداوند را در آن جاری کند.
- ✓ **علاقه و یا دغدغه فردی:** به هر دلیلی ممکن است انسان نسبت به عرصه‌ای علاقه خاصی نشان دهد و یا نسبت به آن دغدغه داشته باشد. این موتور محرکه سبب می‌شود سختی‌های مسیر دیده نشده و تا حصول نتیجه به سعی و تلاش خود ادامه دهد.



فصل دوم

سطوح روابط و تعاملات در عرصه

انسان موجودی بالطبع اجتماعی است و خواه ناخواه تمام بسترهای اجتماعی او سرشار از سطوح مختلف تعاملات و ارتباطات اجتماعی است که در پذیرش نقش‌های اجتماعی در بسترها و در رخدادهای زندگی تأثیر بسزایی دارد.

ارتباطات دو یا چند نفره، کنش و واکنش‌های اجتماعی را رقم می‌زند که در بسترهای مختلف خود را نشان داده و هنگامی که انسان بخواهد اوامر و نواهی خداوند را حاکم کند، قد علم کرده و خودنمایی می‌کند.

ارتباطاتی که بر اساس موازین الهی شکل گرفته باشد، خالی از هرگونه منیت، هوی و هوس بوده و صرفاً تجلی‌دهنده احکام الهی در رخدادها خواهد بود.

این سطح از ارتباط شاید در نظر برخی افراد چندان دل‌انگیز و دل‌چسب نباشد اما می‌توان گفت خالی از هرگونه گناه بوده و بر اساس موازین الهی است.

ارتباطات اجتماعی را می‌توان بر اساس مولفه‌های ساختار وجودی انسان مبتنی بر توان انسان‌ها به موارد زیر دسته‌بندی کرد.

- بر اساس مؤلفه‌های حسی هم‌چون زبان چشم و گوش: ارتباط از جنس هم‌کلامی با استفاده از قوای ادراکی و حواس
- بر اساس مولفه تفکر: ارتباط از جنس هم‌فکری با استفاده از اشتراک گذاشتن آراء و نظرات
- بر اساس مولفه قلب و صدر: ارتباط از جنس هم‌دلی با استفاده از قدرت توجه و عواطف
- بر اساس مولفه فعل و مقصد: ارتباط از جنس هم‌راهی با استفاده از مقاصد مشابه با دیگران



- بر اساس مولفه فعل و نیت: ارتباط از جنس هم‌کاری با استفاده از انجام اعمال مشترک با دیگران
 - بر اساس مولفه علم و ایمان: ارتباط از جنس هم‌نشینی با استفاده از نشست و برخاست
 - بر اساس مولفه توجه: ارتباط از جنس هم‌آهنگی با استفاده از تعامل در اهداف
- شناخت نوع روابط در عرصه‌های اجتماعی راه را برای تشخیص حدود و ثغور تعاملات اجتماعی هموار نموده و در ادامه فرد می‌تواند سطوح ارتباطات خود را شناسایی کند.



فصل سوم

ویژگی نیروها

انسان تا زمانی که در دنیا زندگی می‌کند هر عملی که انجام می‌دهد چه آشکار باشد و چه نهان، بر خود و دیگران اثر دارد. بنابراین هیچ‌یک از افعال و اعمال او فردی تلقی نگردد و از آن‌جا که دنیا محل بروز استعدادها و نهفته است، هر بروزی در عالم نشان‌گر حرکتی خواهد بود.

منظور از حرکت اجتماعی، بروزاتی از انسان است که از رابطه نقش‌ها با هم ناشی می‌شود. در این صورت هر حرکت اجتماعی از اثرآفرینی بیش از یک نقش به وجود آمده است.

با فعال شدن نقش‌ها، روابط انسانی شکل می‌گیرد و عناوین جدیدی برای انسان به وجود می‌آید. این تبدیل نقش به رابطه (که عناوینی را برای فرد پدید می‌آورد) خود حرکتی است که چون در بستر اجتماع تحقق می‌یابد به آن حرکت اجتماعی گوئیم. بنابراین از ارتباط نقش‌ها با هم و یا تلفیق روابط، حرکت اجتماعی پدیدار می‌شود.

آغاز هر ارتباط، نقطه عزیمت یک حرکت است که از فردی به سوی فرد دیگر آغاز می‌شود و به اعتبار اثرگذاری و منطبق بودن با خواست الهی در فضای جامعه انسانی، ارزیابی می‌شود و دارای محرک بزرگی چون بهره‌مندی از حیات - ولو به صورت توهمی - است و می‌توان از «برقرار بودن ارتباط» ها و یا وجود دستاوردهایی، به «وجود حرکت» ها پی برد.

هر حرکت اجتماعی از حرکت دیگری ایجاد شده و مولود است و خود می‌تواند منشأ و مولد حرکت‌های دیگری باشد. در این حالت ارتباط علی و معلولی بین این حرکت‌ها وجود دارد. پس هر حرکتی به نسبت حرکت‌های دیگر یا رابطه علی و معلولی دارد و یا ندارد؛ در صورتی که رابطه علی و معلولی نداشته باشد یا با سایر حرکت‌ها تشابه داشته و از وجهی هم‌سنخ



آنها است و یا هیچ ارتباطی ندارد؛ در صورت عدم ارتباط یا ضد و مخالف آن است و یا وجهی از تقابل در آن وجود دارد.^۱

گستره مدرسه یا گروه علوم اجتماعی با هدف تشکیل جمع‌های ربانی و امت توحیدی حول محور امام، محدود به تعدادی از افراد نیست؛ و تمام آحاد جامعه - منظور افرادی است که به هر نحو مخاطب تصمیمات، برنامه‌ریزی‌ها و محتوای اجتماعی تولید شده باشند- و نیروهای متخصص در عرصه‌های اجتماعی و یا کارگروه‌های علوم اجتماعی، متناسب نقش‌هایی که منجر به حرکت‌های اجتماعی می‌شود، در آن عضو هستند.

نیروی متخصص در عرصه‌های اجتماعی

منظور افرادی است که در ایجاد و روند تصمیمات، برنامه‌ریزی‌ها و محتوای اجتماعی تولید شده در عرصه‌های مختلف اجتماعی دخیل باشند و بتوانند احکام مرتبط با عرصه خود را از قرآن استخراج نموده و در صدد جاری کردن آن برآیند. لذا توجه به موارد زیر لازم به نظر می‌رسد:

- ❖ تشخیص حدود عرصه منوط به انتخاب عرصه است.
- ❖ این انتخاب یا بر منطبق قرآن اتفاق می‌افتد و عرصه همان است که خداوند برای انسان در حوزه زیستن در عالم دنیا معرفی می‌کند یا مربوط به حوزه نیازهای انسان است که می‌تواند به عنوان سؤال به قرآن عرضه شوند.
- ❖ در هر دو حالت کلمات در قرآن معرف حدود عرصه هستند.
- ❖ ایجاد شبکه کلمات برای عرصه می‌تواند ارتباط عرصه را با سایر عرصه‌ها مشخص کند.
- ❖ قلمرو هر عرصه‌ای را باید از کتاب خدا به دست آورد زیرا معیارهای وحی برای محدوده‌بندی حوادث و رخدادها با سایر معیارهای قراردادی بسیار متفاوت است.
- ❖ در نظر نداشتن وحی برای تشخیص نیازها و مسائل یک عرصه باعث بی‌خبر ماندن از نیازها و مسائل مهم‌تر و ترجیح دادن نیازها و مسائل به ظاهر مهم بر آن‌هاست.
- ❖ غرض هر عرصه همان منفعتی است که خداوند برای عرصه در نظر گرفته است که دارای مراتب است. غایت هر عرصه منفعت یا ضرری است که به واسطه بهره‌مندی یا عدم بهره‌مندی از عرصه متوجه انسان یا جامعه می‌شود.
- ❖ خداوند در آیات، علاوه بر غرض یا غایت عرصه به مسیر دست‌یابی آن‌ها نیز اشاره کرده است. این اشاره یا به صورت مستقیم از ظاهر آیات برداشت می‌شود و یا با کندوکاو بیشتری از ظاهر معلوم می‌گردد.
- ❖ گاهی نیز بایدها و نبایدهای مربوط به یک عرصه به طور کامل توسط روایات اهل بیت علیهم السلام تبیین شده است.
- ❖ در هر صورت مسیرهای دستیابی به غرض یا به صورت هدف‌گذاری‌های کلی و یا جزئی و تفصیلی و یا با تعیین ارزش‌ها تعیین شده است.

^۱ تدبیر در ساحت جامعه، فصل دوم تدبیر در حرکت‌های اجتماعی، اخوت، احمدرضا.



- ❖ مقصد، تعیین‌کننده نوع عملیات است. متنی که این مسأله در آن تحلیل می‌شود، نوع عملیات را مشخص می‌کند. ممکن است مسأله‌ای در یک سوره پی گرفته شود و یا ممکن است مسأله‌ای در میان چند سوره پی گرفته شود.
 - ❖ نحوه انتخاب سوره‌ها نیز متغیر است. ممکن است سوره‌های مکی و یا چند سوره مکی با هم انتخاب شوند و نیز ممکن است یک سوره مدنی به همراه سوره‌های مکی انتخاب شود.
 - ❖ کسی می‌تواند بایدها و نبایدهای یک عرصه را به خوبی از کتاب خدا استخراج کند که هم کتاب خدا را خوب بشناسد و هم از حضور مراتب انسان در مراتبی از همان عرصه با خبر باشد.
 - ❖ حداقل شناخت عرصه، درگیر شدن با مسائلی از آن عرصه است، که با لمس آن‌ها در بسترهای زندگی ممکن می‌شود، به گونه‌ای که فرد هم بتواند پس از بروز مسأله، مسأله خود را به وضوح به قرآن ارجاع دهد و هم بتواند باید و نبایدهای الهی در رابطه با آن عرصه را به خوبی محقق سازد.^۱
- شایسته است برای ارتقاء توان خود به موارد زیر توجه کند:

- ا. خواندن قرآن به صورت منظم، روزانه بیش از یک ساعت باشد. این موضوع نشانه‌ای برای ایجاد انس به گونه‌ای است که فر احساس وابستگی شدید به قرآن نماید.
- ب. قدرت ارتباطدهی موضوعات بیرونی با موضوعات قرآن و بالعکس را داشته باشد.
- ت. توان در نظر گرفتن گزاره‌های حقیقی در اغلب مواقع زندگی و برای بیشتر تصمیمات زندگی خود را داشته باشد. (بیشتر از ۷۰٪)
- ث. توان برنامه‌ریزی اجتماعی یا ساختاری^۲ متناسب با غرض دسته‌ای از سوره‌های قرآن را داشته باشد.
- ج. علاوه بر تسلط کامل به نفس و افعال و اعمال و نیت خود، هم‌چنین مراقبت ویژه در کنترل خطورات و تخیلات داشته باشد.

^۱ . برای مطالعه بیشتر به کتاب عملیات‌سازی، اخوت، احمدرضا، درس دهم، مراجعه شود.

^۲ . برنامه‌ریزی ساختاری عبارت است از فرآیندی که طی آن انسان نه فقط برای خود و یا شئون اجتماعی زندگی‌اش، بلکه برای جامعه خود و با توجه به نیازها و مقاصد آن برنامه‌ریزی انجام می‌دهد.



نیروی متخصص در کارگروه‌های اجتماعی

منظور افرادی است که با استفاده از روش‌های تدبیرمحور در سامان‌دهی کارگروه‌های اجتماعی فعالیت دارند.

هر کارگروه لازم است برای انجام عملیات خود؛ متناسب با عرصه‌های اجتماعی، وارد عملیات علمی و اجرایی در سطوح کلان، میانه و خرد شوند.

در همین راستا کارگروه‌ها مراحل ذیل را باید مدنظر قرار دهند:

- ✓ ترسیم نقشه و درخت موضوعات از سور مکی (سیر علمی، رویکردی-اعتقادی) برای پاسخ به:
 - شناخت ماهیت عملکرد کارگروه (موضوع کارگروه چه چیزی هست و چه چیزی نیست)
 - ارائه تعریفی از نحوه عملکرد کارگروه
 - بیان مولفه‌ها و حدود و ثغور وظایف کارگروه
 - قوانین، بایدها و نبایدهای علمی و عملکردی کارگروه
 - آسیب‌هایی که عملیات کارگروه را تهدید می‌کند
 - نحوه رفع آسیب‌ها
- ✓ ترسیم نقشه و درخت موضوعات از سور مدنی (سیر عملی، رویکرد اجرایی) برای ورود به عملیات‌های اجتماعی
- ✓ تعیین چارت ساختاری و سازمانی خود برای مشخص کردن مناسبات سازمانی افراد کارگروه با یکدیگر
- ✓ تبیین وظایف کارگروه‌ها نسبت به:
 - دیگر کارگروه‌ها
 - اعضای کارگروه
- ✓ تربیت نیروی متخصص برای پیوستن به:
 - اعضای کارگروه
 - عرصه‌های اجتماعی
- ✓ پاسخ به مراجعه‌کنندگان در عرصه‌های تخصصی اجتماعی
- ✓ و ...



در ادامه، معرفی اجمالی از مسئول کارگروه و اعضای آن ارائه می‌شود.

مسئول کارگروه: توان استخراج حکم از قرآن (لازمه آن، توان استخراج نظام موضوعات و مسائل از سور قرآن کریم است)، متناسب بستر و شرایط^۱

لذا لازم است برای ارتقاء توان خود به موارد زیر توجه کند:

- ا. خواندن قرآن به صورت منظم، روزانه بیش از یک ساعت باشد. این موضوع نشانه‌ای برای ایجاد انس به گونه‌ای است که فرد احساس وابستگی شدید به قرآن نماید.
- ب. قدرت ارتباطی موضوعات بیرونی با موضوعات قرآن و بالعکس را دارد.
- ت. بتواند گزاره‌های حقیقی را در بخش بیشتری از زندگی (بین ۴۰٪ تا ۷۰٪) در نظر بگیرد و توان در نظر گرفتن گزاره‌های حقیقی در اغلب مواقع زندگی و برای بیشتر تصمیمات زندگی خود را داشته باشد. (بیشتر از ۷۰٪)
- ث. توان برنامه‌ریزی اجتماعی متناسب با غرض سوره‌ای از قرآن را بدست آورد. به علاوه توان برنامه‌ریزی ساختاری متناسب با غرض سوره‌ای از قرآن را کسب کند.
- ج. قدرت کنترل خود را تقویت نماید به گونه‌ای که تسلط کامل به نفس و افعال و اعمال و نیت خود داشته باشد.

اعضای کارگروه: توان استخراج نظام موضوعات از سور قرآن، متناسب بستر و شرایط (توان کشف رابطه توحید تبیین شده در سوره با سایر موضوعات سوره و شناخت آسیب‌های اجتماعی مانع جریان سازی توحیدی و ارائه راهکار بر اساس اسماء الهی سوره^۲)

لذا لازم است برای ارتقاء توان خود به موارد زیر توجه کند:

- ا. قرآن را به صورت منظم، روزانه بیشتر از نیم ساعت تا یک ساعت بخواند. در واقع این موضوع نشانه‌ای برای ایجاد انس به گونه‌ای است که فرد احساس جدایی از قرآن را برای خود متصور نباشد.
- ب. توان ارائه انواع دسته‌بندی موضوعی از سوره و تفصیل مطالب و ارتباط دسته موضوعات سوره با سوره دیگر را بیابد. به علاوه توان ثبت موضوعات مهم سوره‌ها و توان ارتباطی موضوعاتی که بین کلمات، آیات، سوره‌ها قرار دارد را دارا می‌باشد.
- ت. توان در نظر گرفتن گزاره‌های حقیقی در بخش متوسطی از زندگی (بین ۱۰٪ تا ۴۰٪) را داشته باشد.
- ث. توان برنامه‌ریزی شخصی متناسب با غرض سوره‌ای از قرآن را به دست آورد.
- ج. عیوب و نواقص و گناهیانی را که عموماً افراد جامعه از آن بی‌اطلاع‌اند، برطرف کند.

^۱ دوره تهلیل: دوره‌ای است که در آن فرد توان بررسی ابعاد مختلف یک سوره را به دست بیاورد.

^۲ کتب روش‌های تدبیر مدنی و ما بعد



سطوح روابط تعاملی نیروها

با توجه به آنچه بیان شد، به نظر می‌رسد علاقه‌مندان به فعالیت در عرصه‌های اجتماعی و یا کارگروه‌های مشخص شده، لازم است سطوح روابط خود را با دیگر افراد مشخص کرده و در تعاملات اجتماعی، حقوق آن را لحاظ نمایند.

در ادامه، جهت تسهیل روند، معرفی اجمالی از سطوح مختلف روابط ارائه می‌شود.

رابطه ولایی

سطح رابطه من ولایی است اگر:

- ✓ به ضرورت وجود حکم برای هر کار قائل باشم.
- ✓ به باید و نبایدهای جاری در زندگی واقف باشم.
- ✓ بتوانم از طریق عقل حجت هر کار را کشف کنم.
- ✓ عقل را با ترک گناه و از مسیر تفکر شکوفا سازم.
- ✓ بتوانم حجت بیرون را کشف نموده و او را واسطه در ابلاغ حکم بدانم.
- ✓ خودم را در معرض حکم قرار داده و قصد و عزم تبعیت از آن داشته باشم.

رابطه زوجیت

سطح رابطه من زوجیت است اگر:

- ✓ در وجود خود نقصی را پیدا کرده باشم.
- ✓ برای برطرف شدن نقص غرض و غایتی در نظر گرفته باشم.
- ✓ زوجی هم کفو در اعتقادات و باورهای دینی داشته باشم.
- ✓ در خلیات و روحیات با یکدیگر سازگار باشیم.
- ✓ به تعهداتی که با یکدیگر داریم پایبند باشیم.

برای استمرار پیوند زوجیت از طریق موارد زیر تلاش کنم:

- ✓ پیوند با ولی الهی
- ✓ شناخت و ادای حقوق
- ✓ ارتقای تقوا و معنویت
- ✓ ارتقای علم و دانش
- ✓ و ...



رابطه شفیعیت

رابطه من شفیعیت است اگر:

- ✓ به فرد یا شیء دیگری برای به دست آمدن نتیجه مشخصی ملحق شوم.
- ✓ به کمک وجه کمال شفیع خود، نقص‌هایم برطرف شود.
- ✓ بین من و شفعم، سنخیت لازم وجود داشته باشد.
- ✓ به واسطه این رابطه تعاون صورت پذیرد.

رابطه انسانی

رابطه من انسانی است اگر:

- ✓ به محیط زیست توجه کنم.
- ✓ به محرومین کمک نمایم.
- ✓ در ادای حقوق انسانی و رعایت اخلاق اجتماعی با رعایت موارد زیر تلاش نمایم:
- ✓ امانت‌داری
- ✓ راست‌گویی
- ✓ انعطاف و مدارا
- ✓ عدل و انصاف
- ✓ کنترل کلام و پرهیز از کلام‌های زشت
- ✓ بخشش و عدل
- ✓ یاری کردن برای اطاعت خدا
- ✓ فعال کردن مکارم اخلاق مانند مهمانی دادن
- ✓ اقامه قسط و پرپایی عدالت
- ✓ داشتن تفکر جهاد در راه خدا
- ✓ دوری از فساد و مقابله با آن
- ✓ ترویج بایدها و نبایدهای الهی
- ✓ حل اختلافات بین مردم
- ✓ و ...



رابطه ایمانی: (هم قصد و هم جهت: امت)

سطح رابطه من ایمانی است اگر:

- ✓ ولی الهی را بپذیرم و از متن قرآن به عنوان میثاق جمعی تبعیت نمایم.
- ✓ انگیزه و قصد نصرت دین خدا را داشته باشم.
- ✓ با ابراز برائت از دشمنان خدا درصدد یاری اولیای خدا باشم.
- ✓ مقاصد تفصیلی مشترک را تعیین نموده و راههای دست‌یابی به آن را به صورت مرحله‌ای و زمان‌بندی و با برنامه‌ریزی مشخص و دقیق تبیین نمایم.
- ✓ جای خود را در جمع بشناسم.
- ✓ وظایف خود را برای دست‌یابی به مقاصد مشترک تعیین نمایم.
- ✓ وظایف محوله را در وقت و موقعیت در نظر گرفته شده انجام دهم.
- ✓ سطح خود را برای انجام وظایف مشترک ارتقا دهم.
- ✓ مقاصد مشترک را تفصیل و توسعه دهم.
- ✓ درصدد ارتقاء جمع و تألیف با جمع‌های دیگر برآیم.
- ✓ رابطه ولایی انسانی و التزام به آن را بشناسم.

رابطه برادری

رابطه من برادری است اگر:

- ✓ امین برادرم باشم.
- ✓ به او کمک و اعانت برسانم.
- ✓ با او الفت بگیرم.
- ✓ با او مودت قلبی برقرار نمایم.
- ✓ آینه او باشم.
- ✓ اسرارش را حفظ نمایم.
- ✓ در آشکار و نهان با او دوست باشم.
- ✓ او را احترام و تکریم نموده.
- ✓ با او گرم و صمیمی باشم.
- ✓ در کسب منافع او را با خود شریک نمایم.
- ✓ و



رابطه ارحامی

رابطه ارحامی از راه نسبت‌های پدر و مادر، ازدواج، شیردهی به طفل و ارحام معنوی شکل می‌گیرد. هر یک از این سطوح دارای احکام مختص به خود است.

سطح رابطه من ارحام نسبی است اگر:

✓ از یک رحم نشأت گرفته باشیم. مانند والدین، خواهر و برادر و ...

سطح رابطه من ارحام سببی است اگر:

✓ رابطه خویشاوندی در نتیجه ازدواج حاصل شود.

سطح رابطه من ارحام رضائی است اگر:

✓ از طریق شیر خوردن نوزادی ایجاد شده باشد.

سطح رابطه من ارحام معنوی است اگر:

✓ از طریق توجه به اهل بیت خود را به جریان حقیقت هستی (بستر تحقق اسماء حسناى الهی) متصل نمایم.



خاتمه

انسان بدون برقراری تعامل و ارتباطات اجتماعی قادر به ادامه حیات نیست. بنابراین در گام اول تعاملات اجتماعی، موفقیت در عرصه ای، می تواند مبتنی بر انتخاب و تشخیص درست سطوح روابط بین افراد مختلف در هر عرصه باشد.

تا بدین صورت فرد بتواند به سمت اهداف عرصه و غرض اصلی آن حرکت کرده و موفقیت هایی کسب نماید.

بنابر آنچه پیش تر آمد، هر فردی علاوه بر پیدا کردن تخصص در عرصه انتخابی خود، لازم است سطوح روابط و تعاملات را شناسایی کرده و برای اصلاح و ارتقای آن بکوشد. و از طرفی دیگر شناسایی آسیب های هر عرصه، شناخت و تبیین راه های برون رفت از آسیب و اتخاذ تدابیر درست همراه با گام بندی های اجرایی ضروری به نظر می رسد. بدین نحو امید است متدبر قرآنی در عرصه های عملیاتی خود بتواند حکم خداوند را از قرآن کریم بدست آورده و بر آن متناسب شرایط و نظام مسائل عرصه تخصصی جامه عمل بپوشاند.

این نوشتار در تاریخ جمعه ۲۸ مهرماه ۱۴۰۲ مصادف با ۴ ربیع الثانی

ولادت حضرت عبدالعظیم حسنی از نوادگان کریم اهل بیت تکمیل شد.

به امید دست گیری و عنایت خاص ایشان